

## Original Article

# Investigating Police Organizational Developments in Crime Prevention in Line With Collaborative Criminal Policy



Elaheh Eslami <sup>1,\*</sup>, Asadullah Movahheadi Ganjineh Ketab <sup>2</sup>

<sup>1</sup> Master Student of Law Majoring in Criminal Law and Criminology, Islamic Azad University, Qom branch, Qom, Iran

<sup>2</sup> Master of Theology Student, Majoring in Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Tabriz University, Tabriz, Iran



**Citation** ElahehEslami, Asadullah Movahheadi Ganjineh Ketab, **Investigating Police Organizational Developments in Crime Prevention in Line With Collaborative Criminal Policy**. *J. Law Political Stud.*, 2023, 3(2), 85-100.

<https://doi.org/10.48309/jlps.2023.2.2>

**Article info:**

**Received:** 18 May 2023

**Accepted:** 16 September 2023

**Available Online:** 18 September 2023

**ID:** JLPS-2307-1069

**Checked for Plagiarism:** Yes

**Keywords:**

Criminal Policy, Participatory Criminal Policy, Penal Policy, Police, Police Security.

**ABSTRACT**

In recent decades, the concept of criminal policy, in its broad legal and socio-political context, has gained attention in continental European countries as a modern system, in contrast to the narrow and equivalent concept of penal policy. Among the studies within this domain, it is noteworthy that this issue has been subject to structural analysis and modeling, taking into account the unchanging elements in any criminal policy, including crime, deviance, governmental response, societal response, and the fundamental and subsidiary relationships between these elements. In this analytical approach, 'crime' is often defined as a violation of necessary legal norms, characterized by normativity and necessity, while 'deviance' is defined as a breach of prevailing social norms or a state of non-conformity with average behavioral standards, often characterized by normality and the prevailing state of behavior. Due to the widespread prevalence of legal norms, such as the divine legal duties, in Islam, the division of norm-violating behaviors into 'crime' and 'deviance' within the concepts mentioned is not particularly practical for studying criminal policy in Iran. Nevertheless, within the Islamic normative system, controlled behaviors are distinguished from free behaviors.

## مقاله پژوهشی

# بررسی تحولات سازمانی پلیس در پیشگیری از جرم در راستای سیاست جنایی مشارکتی

الهه اسلامی<sup>۱\*</sup>، اسداله موحدی گنجینه کتاب<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق گرایش حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم، قم، ایران

<sup>۲</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد الهیات گرایش فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

Use your device to scan and read the article online



ارجاع الهه اسلامی، اسداله موحدی گنجینه کتاب، بررسی تحولات سازمانی پلیس در پیشگیری از جرم در راستای

سیاست جنایی مشارکتی، نشریه حقوق و مطالعات سیاسی، دوره ۳، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۲: ۸۵-۱۰۰

<https://doi.org/10.48309/jlps.2023.2.2>

## چکیده



## اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۲۹ اردیبهشت ۱۴۰۲

تاریخ پذیرش: ۲۵ شهریور ۱۴۰۲

تاریخ آنلاین شدن: ۲۷ شهریور ۱۴۰۲

کد مقاله: JLPS-2307-1069

## کلیدواژگان:

سیاست جنایی، سیاست جنایی مشارکتی، سیاست کیفری، پلیس، امنیت پلیسی.

سیاست جنایی در مفهوم موسع و حقوقی - اجتماعی خود در مقابل مفهوم مضیق و معادل سیاست کیفری در دهه‌های اخیر مطرح و کم‌وبیش در کشورهای اروپای قاره‌ای به‌عنوان یک نظم نوین مورد قرار گرفته است. از جمله مطالعاتی که در این قلمرو به‌عمل آمده عبارت است از این‌که این مقوله، با بذل توجه به (عناصر نامتغیر) موجود در هر سیاست جنایی؛ جرم، انحراف و پاسخ دولتی، پاسخ اجتماعی و روابط اساسی و فرعی موجود بین این عناصر، تحلیل ساختاری و مدل بندی شده است. در این روش بررسی، جرم به‌عنوان نقض هنجارهای لازم الاتباع غالباً حقوقی نرماتیویته، باید بودن و انحراف به‌عنوان نقض هنجارهای غالب اجتماعی یا حالت عدم تطابق با میانگین رفتاری نرمالیه - وضعیت غالب موجود رفتاری تعریف شده است. با توجه به فراگیر بودن هنجارهای حقوقی احکام خمسه تکلیفیه در اسلام، برای مطالعه سیاست جنایی در ایران به تقسیم رفتارهای ناقض هنجار به جرم و انحراف در مفاهیم یادشده چندان عملی نیست. با این وجود، در نظام هنجاری اسلام رفتارهای کنترل شده از رفتارهای آزاد متمایز می‌باشند.

## مقدمه

هیچ‌گونه فعالیتی بی‌بهره از روش‌های علمی نه تنها مفید فایده‌ای نیست، بلکه زیان‌های آن نیز فراوان است. ابزار هماهنگی افراد متخصص و نحوه فعالیت آن‌ها داشتن روش مشخص علمی است. بر دو محور یادشده تجربه را نیز باید اضافه کرد. در علوم اجتماعی و انسانی (و علوم محض نیز) روش‌های مشخص با هماهنگی‌های ضروری باید در محک تجربه قرار گیرند تا امتیازات و محظورات معین شود و مجدداً با روش منظم و هماهنگی برنامه‌ریزی تازه‌ای آغاز شود. با این تفصیل ارائه یک گروه پیشنهادی مختلف فردی فقط می‌تواند

بی‌تردید، تدوین یک سیاست جنایی دقیق بر سه محور هماهنگی در مطالعه، روش در تحقیق و تجربه در مسیر عمل قرار دارد و پیشنهادی مجرد بی‌توجه به محورهای یادشده فاقد کارایی لازم و تهی از محتوی منضبط و کارساز است. مقصود از هماهنگی، کار گروهی و تخصصی و وصول به اهداف مشترک است. امروز اگر نیروهای متعددی از یک هماهنگی کاری برای مطالعه در زمینه‌های مشخصی که بر هماهنگی بدون وجود روش‌های منظم تحقیق امکان ندارد.

نظم عمومی و امنیت اجتماعی برخوردار می‌شوند. چنین تعاملی نماد بارزی از مفهوم سیاست جنایی مشارکتی است. این تحقیق از حیث هدف کاربردی و از نظر روش، توصیفی-تحلیلی است. در این تحقیق برای گردآوری اطلاعات از روش کتابخانه‌ای با استفاده از فیش‌برداری منابع و برای جمع‌آوری پاسخ سؤالات ضمن بهره‌برداری از مستندات موجود در نیروی انتظامی، با فرماندهان و مسئولان مربوطه نیز مصاحبه شده است. طی سال‌های اخیر، با گرایش پلیس به رویکرد جامعه‌محوری چشم‌انداز امیدوارکننده‌ای در روابط پلیس-مردم رقم خورده است. نیروی انتظامی در رویکرد جدید خود با تحولات سازمانی، تجدیدنظر در ساختار ناجا و ایجاد رده‌های جدید، تهیه برنامه‌های سالانه، پنج‌ساله و سند چشم‌انداز در افق سال ۱۴۰۴ هجری شمسی و انجام بازرسی و نظارت‌های دقیق بر عملکرد کارکنان و سازمان، ضمن کوشش برای انجام هر چه مطلوب‌تر، سریع‌تر و به هنگام خدمات پلیسی، درصدد است تا بخشی از وظایف خود را از طریق مردم انجام دهد. برای این منظور ساماندهی مشارکت‌های مردمی، حمایت از تشکل‌های غیردولتی، برقراری و تعمیق ارتباط با بخش‌های مختلف جامعه و دستگاه‌ها از راهبردهای اساسی ناجا است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد پلیس ایران برای اجرای مأموریت و وظایف خود نسبت به سیاست جنایی مشارکتی، رویکرد ایجابی، جامعه‌محور و دانش‌بنیان دارد. همچنین توسعه سیاست جنایی مشارکتی در پلیس ایران نیازمند تحول بیشتر در ساختار و تشکیلات، توجه بیشتر به پلیس حرفه‌ای و اجتماعی، کاربرد فناوری‌های جدید، تحول در روش‌های خدمت‌رسانی به جامعه و مردم و توسعه اقدامات فرهنگی و اجتماعی برای ارتقاء سطح مشارکت مردم در نظم و امنیت اجتماعی است.

#### - پیشگیری

پیشگیری از جرم و نابهنجاری‌های اجتماعی برای نخستین بار توسط آنریکوفری پرچم‌دار مکتب تحقیقی مطرح شده است و امروزه شاخه‌ای از جرم‌شناسی به نام جرم‌شناسی پیشگیری

من‌باب موضوع‌های بررسی برای مطالعه هماهنگ و توأم با روش مفید باشد. پیشنهادهایی که باید موردتوجه قرار گیرند در سه بعد انتخاب قانون‌گذار، روش تدوین قانون و شرایط پس از تدوین قانون است. سیاست جنایی یک کشور چون سیاست عمومی نیاز به تخصص دارد، (مارتی، ۱۳۸۱: ۲۳).

انتخاب قانون‌گذار باید به نحوی باشد که اشراف به مسائل و آگاهی به علوم جدید را دچار لطمه و خدشه نکند. انتخاب افراد صالح اما بی‌اطلاع همان‌قدر مضر است که انتخاب افراد آگاه ولی فاقد صلاحیت. در این زمینه نقش رسانه‌ها برای آگاهی مردم و شناخت ایشان در زمینه انتخاب نمایندگان آن‌ها نقشی بنیادی است. جهت‌گیری‌های فکری و به‌اصطلاح «راست و چپ سیاسی» برای انتخاب نمایندگان کافی نیست. قوه قانون‌گذاری باید متفکر، متخصص و واحد صلاحیت‌های ضروری باشد تا بتواند در برنامه‌ریزی‌های دقیق مشارکت فعال داشته باشد. بدیهی است از مجلسی حتی یک‌دست اما فاقد قدرت و توانایی شناخت مسائل، قوانینی فاقد اسکلت‌های لازم و زیربنای محکم خارج می‌شود، موارد این‌گونه ناتوانی‌ها را در مجموعه قوانین جزایی فراوان می‌توان دید، قوانینی ناهمگون، بی‌توجه به اصول و فاقد استحکام از نظر شناخت مسائل اجتماعی، سیاسی و اقتصادی بر عمر نامرادی‌ها می‌افزاید و از اعتبار قانون‌گرایی می‌کاهد. تدوین سیاست جنایی اگرچه می‌تواند در وظیفه قوه قضاییه قرار گیرد که طبق لویح دولت به مجلس پیشنهاد می‌شود اما در مجلس تکلیف نمایندگان برای تدوین قوانینی در راستای سیاست جنایی بسیار سنگین است، (حسینی، ۱۳۸۳: ۲۳).

#### ۱- مبانی نظری

امروزه در کشورهایی که دارای یک سیاست جنایی پویا و روزآمد هستند، سازمان‌های پلیسی بر اساس یک رویکرد جامعه‌محور به‌جای تکیه بر ابزارها و روش‌های سنتی سرکوب‌گرانه و قهرآمیز در برخورد با بزه‌کاری در سایه برقراری تعامل گسترده و سازنده با همه ارکان جامعه به‌ویژه مردم و نهادهای اجتماعی از حمایت‌های مادی و معنوی جامعه در برقراری

۱- هدف اصلی آن تأثیرگذاری بر علل و عوامل مؤثر بر پیدایش بزهکاری.

۲- جنبه جمعی داشته باشد چراکه اقدامات فردی در بحث اصلاح و درمان است.

۳- اقدامات باید غیر قهرآمیز و غیر کیفری باشد.

پیشگیری از نظر لغوی به معنای «جلوگیری کردن، مانع شدن، جلو بستن و نیز اقدامات احتیاطی برای جلوگیری از رخدادهای بد و ناخوaste» (معین، ۱۳۷۶: ۹۳۳).

در مقررات ایران اصطلاح پیشگیری از جرم تعریف نشده و تنها نویسندگان لایحه پیشگیری از وقوع جرم آن را از رهگذر ماده ۱ «پیش‌بینی، شناسایی و ارزیابی خطر وقوع جرم و اتخاذ تدابیر و اقدامات لازم برای از بین بردن یا کاهش آن‌ها» تعریف کرده‌اند.

#### - سیاست جنایی

سیاست هم در معنای متعددی استعمال می‌گردد. لسان العرب می‌گوید: «سوس» به معنای ریاست است و سیاست در مفهوم «تصدی برای حفظ مصالح مردم است» گاه سیاست به معنای اداره کشور و حکم راندن و رعیت‌داری است، (آشوری، ۱۳۸۳: ۴۵).

بنابراین سیاست در لغت به معنای توانایی اتخاذ تدابیر مناسب جهت اداره امور به نحو مطلوب است. جنایت همانند سیاست کلمه‌ای عربی است که از ریشه جنی به معنای گناه کردن، چیدن میوه از درخت (دهخدا، ۱۳۷۷: ۴۸۷) و جرم (عمید، ۱۳۷۱: ۴۷۱) آمده است. عده‌ای معتقدند که اعراب لغت جنایت را همانند جناح، از گناه فارسی اخذ کرده‌اند، (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۱: ۸۹).

در مجموع سیاست جنایی دارای یک مفهوم موسع و یک مفهوم مضیق است. در مفهوم مضیق منظور از سیاست جنایی همان سیاست کیفری است و مراد از آن در مفهوم موسع مجموعه روش‌هایی است که با به‌کارگیری آن‌ها هیئت اجتماع پاسخ‌های خود را به پدیده‌های مجرمانه سازمان‌دهی می‌کند. سیاست جنایی به‌عنوان یک فرایند استراتژیک به معنای حرکت

ظهور یافته که بسیار شایان توجه محققان و دانشمندان بخصوص سازمان‌های پلیس و دادگستری است، (شهری، ۱۳۸۵: ۶).

برخی جرم‌شناسان واژه پیشگیری را به معنای پیش‌دستی کردن و یا آگاه کردن و هشدار دادن آورده‌اند، (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۸۷: ۱۳۵).

پیشگیری از وقوع جرم یعنی پیش‌بینی شناخت ارزیابی خط جرم و انجام اقدام‌های برای رفع یا تقلیل آن‌که این اقدام می‌تواند سرکوب گر یا غیر سرکوب گر باشد، (میر محمد صادقی، ۱۳۸۱: ۳۶).

تعاریف زیادی از پیشگیری به‌عمل آمده است که برخی از تعاریف اشاره می‌گردد: رمون گس: «پیشگیری را هرگونه تدبیر یا اقدامی که هدف نهایی آن محدود کردن دامنه ارتکاب جرم از راه غیرممکن ساختن، دشوار کردن، یا کاهش احتمال وقوع آن بوده و بدون استفاده از تهدید کیفر یا اجرای آن باشد».

موریس کوسن: پیشگیری از مجموعه اقدامات و تدابیر غیر قهرآمیز می‌داند که باهدف خاص مهار بزهکاری کاهش احتمال جرم و کاهش وخامت جرم در خصوص علل جرائم اتخاذ شود. هر چیزی که به مقابله با جرم پرداخته و از بروز آن جلوگیری کند یا موجبات کاهش آن را فراهم سازد پیشگیری از جرم تلقی می‌شود این رویکرد در تفکرات سیاست جنایی آنریکوفوری بروز پیدا کرد و تدابیر دفاع فردی که برای پیشگیری از تکرار جرم بیان شده است و نیز پیشگیری عمومی که بر اساس تدابیر جمعی حاصل می‌شود نشان از برداشت موسع فردی از پیشگیری است، طبق نظر شرمن هر رویدادی که اعمال شود و نتیجه آن نشان بدهد که از نرخ بزهکاری کاسته شده است آن رویه را می‌توان پیشگیرانه دانست. (ابراهیمی، ۱۳۸۸: ۱۹).

در جرم‌شناسی پیشگیری از وقوع جرم را می‌توان در هر وضعیتی که از وقوع جرم جلوگیری شود بحث کرد و جرم‌شناسان پذیرفته‌اند که پیشگیری باید دارای سه ویژگی باشد.

مجموعه شیوه‌های سرکوبگرانه‌ای می‌دانست که دولت با استفاده از آن‌ها علیه جرم واکنش نشان می‌دهد. در حقیقت منظور او با این تعریف مفهوم مضیق سیاست جنایی یعنی سیاست کیفری است، (لازرز، ۱۳۸۱: ۱۳۷).

علت این تفسیر نیز سیره دیرینه «جرم‌انگاری» و برخورد کیفری توسط دولت با مجرمین بوده است که در واقع برجسته‌ترین شکل واکنش به جرم و مجرم بوده است. متعاقب به وجود آمدن اصطلاح سیاست جنایی و تعریف فوئر باخ از آن دانشمندان و حقوقدانان دیگر به دادن تعریفی از آن اقدام کرده و سیاست جنایی در دو مفهوم مضیق و موسع به وجود آمد. در بیان تعریف مضیق می‌توان به تعریف فوئر باخ از سیاست جنایی که قبلاً ذکر گردید اشاره کرد و در خصوص تعریف موسع می‌توان به تعریف خانم دکتر دلمارسی مرتی اشاره داشت که بیان می‌دارد: «مجموعه روش‌هایی که به وسیله آن بدنه جامعه (هیئت اجتماع) پاسخ‌های خود را به پدیده مجرمانه سازمان‌دهی می‌کند»، (حسینی، ۱۳۸۳: ۵۴).

با مقایسه این تعریف با تعریف فوئر باخ به‌خوبی متوجه بسط و گسترده‌تر شدن قلمرو سیاست جنایی می‌شویم. در تعریف اخیر علاوه بر روش‌های سرکوبگر، به‌تمامی روش‌ها، خصوصاً روش‌های مبتنی بر جبران خسارت یا میانجیگری؛ به‌شرط آنکه بدنه اجتماعی پاسخ‌های خود را سازمان‌دهی کرده باشد گسترش یافته است؛ و در کنار پاسخ عکس‌العملی (مؤخر از پدیده مجرمانه) پاسخ پیشگیرانه (مقدم بر پدیده مجرمانه) نیز دارد؛ و پدیده مجرمانه هم مشتمل بر جرم است و هم انحرافی که جنبه مجرمانه دارد و با این تعریف قلمرو سیاست جنایی بسط داده شده است. در واقع با این تعریف خانم دلمارسی مرتی از سیاست جنایی، دانشمندان حقوق جزا و جرم‌شناسان و جامعه‌شناسان به این نتیجه رسیدند که به‌غیر از کیفر راه‌های دیگری نیز برای کنترل اجتماعی وجود دارد. سیاست جنایی در کشورها و جوامع نقش کنترل بزهکاری را بر عهده دارد. به‌عبارت‌دیگر، پدیده مجرمانه را برای مردم قابل‌تحمل کرده و از میزان جرائم کاسته یا جرائم را

و تحول از روش‌های سرکوب گر به‌تمامی روش‌های مبتنی بر میانجی‌گری و جبران خسارت از دولت به‌کل هیئت اجتماع است؛ و در کنار پاسخ واکنشی (پس از وقوع پدید مجرمانه)، پاسخ پیشگیرانه (پیش از بروز پدیده مجرمانه) را نیز می‌گیرد و در نهایت حرکت از جرم به‌سوی پدیده مجرمانه در معنای عام که دربرگیرنده هرگونه رفتار متضمن تخلف از هنجارها باشد چه به‌عنوان جرم چه به‌عنوان انحراف، (دلماس، ۱۳۷۶: ۲۴).

به‌موازات گسترش ارتباطات، تکنولوژی، صنعت و روند رو به رشد شهرنشینی، زمینه ارتکاب جرائم افزایش یافته و شیوه‌های ارتکاب جرائم متکثر و پیچیده شده است، (علوی زادگان، ۱۳۹۰: ۱۸).

علیرغم به‌کار بردن سیاست کیفری در این مدت، باید گفت که همه هنجارهای جامعه با ضمانت اجرای کیفری مورد حمایت قرار نمی‌گیرند، (محسنیان، ۱۳۸۴: ۲۹).

به همین دلیل به‌تدریج حقوق کیفری سلطه انحصاری خود را از دست داده و مفهوم اجتماعی انحراف در کنار مفهوم حقوقی جرم پیدا شد و به دنبال آن مداخله مراجع گوناگون اجتماعی، در کنار مراجع دولتی، در پاسخ‌های پیشگیرانه و واکنشی به هنجارشکنی گسترش و اهمیت پیدا کرد، (حسینی، ۱۳۸۲: ۲۷).

پس از تحولاتی که در دو سده اخیر درباره بنیادهای بزهکاری به وجود آمد جرم‌شناسان به این عقیده گرایش پیدا کردند که جهت تدوین سیاست‌های جنایی کارآمد و پویا، علاوه بر پدیده بزه و شخصیت بزهکار، عوامل دیگر محیط و اجتماع را نیز در نظر گرفته و سیاست جنایی را فراسوی سیاست کیفری مورد توجه قرار دهند. سیاست را چاره‌اندیشی پیرامون مسائل جامعه معنی کرده‌اند و عبارت جنایی را ناظر به پدیده‌های مجرمانه آورده‌اند که روی هم‌رفته به معنای چاره‌اندیشی در مقابله با جرم است. معنی اصطلاحی آن نیز از معنی لغوی آن چندان دور نیفتاده است، (دلماس، ۱۳۸۱: ۵۶).

اصطلاح سیاست جنایی نخستین بار توسط دانشمند آلمانی، آنسلم فوئر باخ به‌کاربرده شد. او سیاست جنایی را

ایدئولوژی باز پذیری نشئت می‌گیرد که به تفکیک به شرح و بسط هر یک از آن‌ها می‌پردازیم.

#### - ایدئولوژی سرکوبگرانه<sup>۲</sup> (امنیت گرا)

یکی از ایدئولوژی‌های حاکم در سیاست جنایی ایدئولوژی سرکوبگرانه است، به این منظور که با ایجاد احساس ناامنی در مردم و مدیران و تصمیم‌گیران جامعه به علت افزایش ارتکاب جرائم کوچک و متوسط در سطح جامعه واکنش به بزه و بزه‌کار از شدت بیشتری برخوردار می‌گردد و در مقابل کوچک‌ترین جرم با شدت و خشونت واکنش نشان داده می‌شود. افزایش جرائم کوچک و متوسطی که مرتبط با بحران‌های اقتصادی و بیکاری است به شدت در شهروندان ایجاد ناامنی می‌کند و این افراد را به سمت تحت فشار قرار دادن مسئولین و تصمیم‌گیران سیاست جنایی برای برخوردی شدیدتر با جرم و بزه می‌کشانند، مسئولین و تصمیم‌گیرانی که ناچار به پذیرفتن دل‌مشغولی‌های افراد جامعه برای پیروزی و رأی آوردن در دوره انتخابات آتی می‌باشند. همان‌طور که آقای ژان کلودشتر به درستی بیان کرده است: «این ایدئولوژی از دل‌مشغولی‌ها و دغدغه‌های انتخاباتی تفکیک‌ناپذیر است». به نظر می‌رسد که افراد جامعه با این ایدئولوژی بیشتر هماهنگ باشند و خواستار آن هستند که با جرائم با شدت بیشتری برخورد شود، نمونه عملی این تئوری را می‌توان در خط‌مشی نمایندگان که در هر دوره توسط مردم همان کشور انتخاب می‌شوند ملاحظه کرد. به‌عنوان مثال می‌توان به انتخاب آقای سارکوزی به ریاست جمهوری فرانسه یا جرج دبلیو بوش به ریاست جمهوری ایالات متحده اشاره نموده که با مطرح نمودن شعارها و ایدئولوژی امنیت گرا از قبیل مبارزه با تروریسم و امنیت جهانی، در این کشورها توانستند آرای بیشتری کسب نمایند. نکته قابل توجه این است که رویکرد مدیران و تصمیم‌گیران سیاست جنایی حتی در کشورهایی هم که نقطه مقابل این ایدئولوژی را برگزیدند، در برخی مواقع به سمت این ایدئولوژی (ایدئولوژی سرکوبگرانه) منعطف شده است؛

ریشه‌کن می‌نماید. لذا نبودن سیاست جنایی سبب هرج و مرج در جامعه می‌شود.

#### - تعریف پلیس جامعه‌محور

عبارت از اینکه پلیس برای اداره امور پلیسی برای مدیریت جامعه از سرمایه‌های اجتماعی و سایر منابع در ابعاد مختلف که مشارکت و نظارت مردم در امور پلیس از بارزترین و شاخص‌ترین نمادهای آن به حساب می‌آید بهره بگیرد و به تغییر و تحولات توجه ویژه داشته باشد، (قهرمانی و ابطیحی، ۱۳۸۹: ۱۶).

فریدمن از جمله کسانی است که تعریف پلیس جامعه‌محور ارائه داده است: راهبرد و خط‌مشی، با اهداف دستیابی به کنترل مؤثر کارآمد جرائم، کاهش ترس از جنایت، توسعه کیفیت زندگی، گسترش خدمات پلیس و مشروعیت کار پلیس از طریق تکیه به جامعه که درصدد تغییر شرایط جرم خیز هستند. این مستلزم مسئولیت‌پذیری بیشتر پلیس، سهیم شدن، فعال‌تر و بیشتر جامعه در فرآیند تصمیم‌گیری و توجه بیشتر به حقوق و آزادی‌های مرده است، (ترویانویچ، ۱۳۸۳: ۲۹).

اسکوگان می‌گوید که تعریف عملیاتی پلیس جامعه‌محور عبارت است از: «برقراری نظم، پیشگیری از جرم، حل مشکل درگیری اجتماعی و مشارکت است»، (فتح الهی، ۱۳۷۷: ۱۷۸).

#### ۲- ایدئولوژی‌های مطرح در سیاست جنایی

بحث اساسی در سیاست جنایی الگوبرداری و انتخاب مدیران و تصمیم‌گیران سیاست جنایی در رویکرد<sup>۱</sup> خود به بزه و جرم و انحرافات اجتماعی است، به عبارت دیگر آیا مدیران و تصمیم‌گیران در برخورد با بزه و انحراف اجتماعی به شدت به آن پاسخ می‌گویند یا با مدنظر قرار دادن روش‌های باز پذیری و اصلاح و درمان مجرم با جرم و بزه به‌عنوان پدیده‌ای که از دل اجتماع بیرون آمده است و مجرم و بزه‌کار را به‌سوی ارتکاب عمل مجرمانه سوق داده برخورد می‌کنند. در این راستا رویکرد و واکنش مدیران و تصمیم‌گیران سیاست جنایی به جرم و مجرم از دو ایدئولوژی سرکوبگرانه (امنیت گرا) و

<sup>2</sup> Repressive Ideology

<sup>1</sup> Approach

### – ایدئولوژی اسلامی

در کنار این دو نوع ایدئولوژی، می‌توان به نگاه سوم و ایدئولوژی سومی اشاره نمود که همان نگاه دینی بوده و لزوماً در قالب این دو ایدئولوژی قابل تعریف نیست، در عین این‌که گزاره‌هایی از هر دو نوع نگاه را در خود جای داده است. با توجه به مجموعه ویژگی‌هایش یک نظام و سیستم خاص را تشکیل می‌دهد که منحصر به فرد و خاص است و به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

### – مشارکتی بودن

برخلاف مدل‌های اقتدارگرا که مشارکت جامعه مدنی صرفاً به صورت سرکوبگر در آن‌ها معنا می‌یابد، (شاکری گلپایگانی، ۱۳۸۵: ۷۶).

در سیاست جنایی اسلام مشارکت بزه دیده، بزه کار و جامعه مدنی بدون سرکوبگری طراحی و تشریح شده است که برای نمونه می‌توان به حق تعقیب و مطالبه کیفر در جرائم حق الناسی، حق عفو بزه کار یا صلح با او، حق دفاع مشروع و... برای بزه دیده اشاره نمود. برای بزه کار، حقوقی همچون توبه در برخی جرائم حدی، اخذ رضایت بزه دیده، وجود اصل برائت و قاعده درء، قبول انکار پس از اقرار و... اشاره نمود. برای جامعه نیز گزاره‌هایی همچون مراقبت در قالب امر به معروف و نهی از منکر جهت پیشگیری از وقوع جرم و در مرحله واکنش علیه جرم، برخورد با مجرم و قطع جریان جرم، شهادت علیه مجرم، میانجی‌گری بین بزه کار و بزه دیده و حتی مجازات مجرمینی همچون مهدورالدم مطلق قابل ذکر است، (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۹: ۳۲).

### ۳- ارتباط سیاست جنایی با سیاست کیفری

«سیاست جنایی» قالب لفظی مناسبی بود که مفهوم مضیق معادل حقوق کیفری را پشت سر گذاشت و در مفهوم موسعی به کار رفت و رواج یافت که علاوه بر مفهوم سنتی «حقوق کیفری» تحولات تئوریک و عملی پدید آمده در قلمرو «هنجارانگاری» و «پاسخ‌دهی» به نقض هنجارها را نیز منعکس می‌کند. نخستین بار، به رغم نظر فوئرباخ، سیاست جنایی

«به عنوان نمونه در فرانسه با حاکم بودن ایدئولوژی باز پذیری و اصلاح و درمان مجرم تا روی کار آمدن آقای سارکوزی، می‌توان به تصویب قوانینی که رویکرد سرکوبگرانه داشته‌اند، اشاره نمود که در این راستا می‌توان به قانون مشهور به «امنیت و آزادی»<sup>۱</sup> مصوب ۲ فوریه ۱۹۸۱ اشاره نمود که این قانون در جهت شدت بخشیدن به مجازات و تدابیر علیه مجرمان خشن و خطرناک است، همچنین قانون اول فوریه ۱۹۹۴ که تخفیف ناپذیری را در مورد بعضی جرائم از قبیل قتل با سبق تصمیم، تجاوز به عنف به صغیر ۱۵ ساله و قتل او، قتل صغیر ۱۵ ساله، قتل شخص بسیار آسیب پذیر به لحاظ سن، معلولیت و بیماری ایجاد کرده است، نمونه‌ای دیگر از به کار بردن این سیاست به شمار می‌رود»<sup>۲</sup>، (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۲: ۵۴).

### – ایدئولوژی باز پذیری<sup>۲</sup>

ایدئولوژی باز پذیری در نقطه مقابل ایدئولوژی سرکوبگرانه قرار می‌گیرد. این ایدئولوژی برخلاف ایدئولوژی سرکوبگرانه بیش تر همبستگی را می‌طلبد تا دل‌نگرانی شهروند در مقابل جرم. در این دیدگاه مدیران و تصمیم‌گیران سیاست جنایی با این بینش که مجرم عضوی از جامعه است که تحت تأثیر عوامل محیطی و اجتماع مرتکب فعل یا ترک فعل ناقض قانون گردیده است با وی برخورد می‌کنند، بنابراین آن‌ها با در نظر گرفتن این مطالب در راه اصلاح و درمان مجرم و نحوه پذیرش وی به عنوان فردی از افراد جامعه گام برمی‌دارند. به عنوان نمونه می‌توان به رویکرد و توجه برخی کشورها به عدالت ترمیمی<sup>۳</sup>، نشست‌های بزه دیده - بزه کار<sup>۴</sup>، حلقه یا محافل<sup>۵</sup> و کانون‌های اصلاح و تربیت اشاره کرد که این مجموعه‌ها با محوریت اصلاح مجرم و نحوه پذیرش وی در جامعه، تشکیل شده است.

<sup>۱</sup> Security and Freedom

<sup>۲</sup> Reintegration Ideology

<sup>۳</sup> Restorative Justice

<sup>۴</sup> Victim Offender Conferences(voc)

<sup>۵</sup> Circles

ارزیابی کارایی برخی از ابزارهای آن قائل بود، بر پویایی سیاست جنایی تأکید کرده و بدین ترتیب، مفهوم، رسالت و ابزارهای سیاست جنایی را که از نظر ماهیتی تا آن زمان به طور عمده «حقوق کیفری» به شمار می‌آمد، گسترش داده است. در مفهوم اخیر، سیاست جنایی در قلمرو گسترده‌تری به نام «سیاست اجتماعی» قرار می‌گیرد که آن نیز به نوبه‌ی خود در محدوده‌ی بسیار گسترده‌تری به نام «سیاست عمومی» یک کشور و دولت واقع می‌شود. در باور برخی از اندیشمندان، سیاست جنایی بر مبنای رویکرد جدید، پلی ارتباطی میان حقوق جزا و جرم‌شناسی است و به کلیه‌ی تدابیر، اقدامات، شیوه‌ها و ابزارهای کیفری، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی اطلاق می‌شود که قانون‌گذار در چهارچوب قوانین و مقررات، به منظور پیشگیری از پدیده‌ی مجرمانه، یعنی بزه و انحراف و مبارزه با آن، در اختیار مقامات ذی‌ربط دولتی و اجتماعی قرار می‌دهد، (نوربها، ۱۳۸۸: ۴۵).

از تعابیر و تعاریف فوق برمی‌آید، هدف سیاست جنایی مبارزه‌ی سنجیده علیه بزه‌کاری است که اعم از پیشگیری و سرکوب‌گری است و از این رو، تعریف اخیر جامع‌تر و پسندیده‌تر است. یک سیاست جنایی مطلوب، برخلاف حقوق جزا، تنها متکی بر سیاست کیفری نیست؛ بلکه اصلاح مشکلات اجتماعی، زدودن عوامل ایجاد بزه‌کاری، رفع تبعیضات قانونی و بی‌عدالتی و درمان و بازسازی بزه‌کاران را نیز جزء ویژگی‌های خود می‌داند. سیاست جنایی مطلوب، یک مفهوم عام و کلی است که در راستای رسیدن به اهداف خود، علوم بسیاری را به خدمت می‌گیرد و از طرف دیگر با سازمان‌های فراوانی در ارتباط است که از طریق این سازمان‌ها تدابیر خود را به مرحله‌ی اجرا درمی‌آورد؛ از این رو سیاست جنایی از زوایای مختلف تقسیم‌بندی می‌شود که در ادامه به دو مورد اشاره می‌شود. دانش و تجربه‌ی بشری نشان داده که حذف بزه‌کاری، یک آرمان است. کنترل بزه‌کاری در یک محدوده‌ی قابل تحمل، رسالت سیاست جنایی است. در عین حال سیاست جنایی برای تحقق عدالت کیفری و

یک‌رشته‌ی فرعی وابسته به حقوق جزا نیست؛ بلکه جهت، دلیل و معنای وجودی حقوق جزا است (پیمنا) و به عبارت دیگر، به معنای «حقوق جزای جهت‌گیری شده به سوی یک هدف مشخص» است. بدین ترتیب، سیاست جنایی که در اواخر قرن هجدهم میلادی توسط فوئرباخ، به «مجموعه‌ی روش‌هایی سرکوب‌کننده که دولت به وسیله‌ی آن در مقابل جرم واکنش نشان می‌دهد» تعریف شده بود؛ در اواخر قرن بیستم میلادی توسط استاد فرانسوی، مادام دلماس مارتی، چنین تعریف شد: «مجموعه‌ی روش‌هایی که به وسیله‌ی آن بدنه‌ی اجتماعی (هیئت اجتماع) پاسخ‌های خود را به پدیده‌ی مجرمان سازمان‌دهی می‌کند، (لازرژ، ۱۳۸۱: ۸۷).

مرل<sup>۱</sup> و ویتو<sup>۲</sup> نیز تعاریفی مشابه ارائه می‌دهند و معتقدند سیاست جنایی پیش از آنکه یک علم باشد، فنی است که هدف آن کشف و شکل دادن عقلانی و منطقی بهترین طرق ممکن برای حل مسائل مختلفی است که پدیده‌های مجرمانه را از نظر صوری و عمقی به وجود می‌آورند. به اعتقاد دندیو دو وابر<sup>۳</sup> سیاست جنایی عبارت است از واکنش تنبیهی و سرکوب‌گر در مقابل جرم و موضوع آن کشف شیوه‌های مبارزه‌ی مؤثر غلبه بر بزه‌کاری است. مارک آنسل سیاست جنایی را، هم علم و هم هنر می‌پندارد که موضوع آن، تدوین بهترین قواعد مثبت در پرتو یافته‌های جرم‌شناسی است. وی دو جنبه‌ی نظری و عملی سیاست جنایی را در کنار هم و به موازات یکدیگر مورد توجه قرار داده و معتقد است که تدوین سیاست جنایی و تدابیر اجرایی آن در سطوح قضایی، اجرایی و پلیسی باید همواره مبتنی بر تحقیقات علمی و به طور عمده، جرم‌شناسانه باشد و بنا بر نتایج به دست آمده و نیز به موازات تحولات، میزان و اشکال جرائم مختلف و واقعیات مجرمانه‌ی خود را متحول و روزآمد کند. آنسل به لحاظ اهمیتی که برای یافته‌ها و داده‌های ناشی از مطالعات پژوهش‌های جرم‌شناسانه در قلمرو سیاست جنایی، اعم از مرحله‌ی تدوین، اجرا و سنجش و

<sup>1</sup> Merele

<sup>2</sup> Vitu

<sup>3</sup> Donnedieu deVabres



این فرایند اهمیتی خاص می‌دهد. با توجه به اینکه واکنش در قبال اعمال مجرمانه، اعم از پیشگیری یا سرکوبی، از اعمال حاکمیتی است، نقش دولت در چگونگی ایجاد سازوکارهای مربوطه و ماهیت آن‌ها به میزان زیادی جلب توجه می‌کند. قوای مملکتی هر یک به طریقی در این فرایند دخیل می‌گردند و در این میان عملکرد قوای مقننه و قضائیه از آن‌رو که ارتباط مستقیم‌تری با موضوع می‌یابند بیشتر به چشم می‌آید و اصولاً شاید چندان قابل تصور نباشد که قوه مجریه در ایجاد و اعمال سیاست جنایی، نقش درخور توجهی ایفاء کند. لیکن آن‌گونه که خواهیم دید این قوه به واسطه تسلط بر ابزار اجرایی، خود به نوعی مبادرت به سیاست‌گذاری در باب مؤلفه‌های سیاست جنایی می‌نماید و چه بسا بی‌توجهی یا کم‌توجهی نسبت به نقش آن، میزان موفقیت سیاست‌های اتخاذ شده در خصوص برخورد مؤثر با اعمال مجرمانه را کاهش دهد؛ بنابراین سیاست جنایی اجرایی را باید با وسواس و دقت خاص مورد توجه قرار داد و از اختلاط مفاهیم و مسائل موجود در قلمرو آن با مفاهیم به‌کاررفته در قلمروهای دیگر احتراز کرد و همچنین پدیده مجرمانه همواره یکی از مسائل اساسی جوامع بشری در طول تاریخ بشر بوده است و پیشرفت و تکامل همه‌جانبه جوامع انسانی نه تنها از دامنه آن نکاسته، بلکه بر ابعاد و حجم آن افزوده است. ضرورت مقابله با این پدیده و یافتن بهترین راهکارها در این زمینه نیز همیشه از دغدغه‌های اصلی این جوامع بوده که فکر اندیشمندان و صاحب‌نظران را به خود مشغول ساخته است. ظهور و تکامل دانش جرم‌شناسی، فزونی آموزه‌های کیفری و پیدایش سیاست جنایی در دوره معاصر را می‌توان از دستاوردهای بشر در این راستا دانست. در چند دهه اخیر، رشد روزافزون و لجام‌گسیخته پدیده مذکور همراه با ظهور اشکال و حجم‌های نوین بزه و بزهکاری، بحران ناتوانی، ناکارآمدی و عدم موفقیت به‌کارگیری صرف ضمانت‌اجراهای کیفری در زمینه‌ی پیشگیری از وقوع جرم و مقابله با بزهکاری و اصلاح بزهکاران و در نتیجه بروز حس بی‌اعتمادی و ناامیدی و نگرش بدبینانه مردم نسبت به نظام عدالت کیفری، لزوم غلبه

اجتماعی، ابزار «لازم» محسوب می‌شود، نه ابزار «کافی». بهره‌گیری از نظام‌های کنترل‌کننده‌ی فرا کیفری و نهادهای اجتماعی، اخلاق، مذهب و ... نقش ویژه‌ای در پیشگیری از بزه‌کاری و مبارزه با آن دارد. بدیهی است تحقق عدالت کیفری و اجتماعی، منجر به تأمین امنیت و نظم اجتماعی خواهد شد، (قیاسی، ۱۳۸۵: ۱۱).

#### ۴- سیاست جنایی ایران

کاربرد عنوان سیاست جنایی یا سیاست جزایی یا سیاست کیفری در ایران از دهه دوم قرن چهاردهم شمسی توسط اساتید حقوق جزا و جرم‌شناسی شروع شده است ولی سیاست جنایی به‌طور جدی از اوایل دهه ۱۳۷ شمسی با ترجمه و تألیف چند مقاله و کتاب وارد حقوق ایران شد، (نجفی ابرنآبادی، ۱۳۸۲: ۱۱).

مشخصه بارز دنیای امروز، ترس است. به‌طوری‌که در کنار دغدغه‌های مهمی همچون فقر، فقدان بهداشت، بیکاری و بی‌سوادی، هراس ناشی از جرائم، به یکی از مهم‌ترین دل‌مشغولی‌های مردم و به‌ویژه دولت‌مردان تبدیل شده است. بر این اساس آنچه بیشتر وجهه همت نویسندگان، محققان، قانون‌گذاران و نیز مجریان قانون قرار داشته، مبارزه با جرم و سرکوبی آن بوده است. اندک‌اندک این عقیده ظهور کرد که شاید یکی از بهترین و مؤثرترین راهکارهای مبارزه با جرم، پیشگیری از وقوع آن باشد؛ بنابراین اقدامات پیشگیرانه در معنای عام کلمه به‌تدریج جای خود را در مباحث حقوقی باز نمود. لیکن نظر به تازگی محتویات و بدیع بودن مفاهیم آن، می‌توان گفت راهکارهای مورد نظر جهت مبارزه با جرم بسیار بیشتر از راهکارهای مربوط به پیشگیری از جرم بوده است، (حسینی، ۱۳۸۳: ۴۱).

سیاست جنایی ترکیبی از پیشگیری و سرکوبی را مفید می‌داند و در این راستا تعامل و همکاری میان دولت‌مردان و آحاد افراد جامعه را ضروری می‌انگارد. از یکسو دولت در معنای وسیع کلمه را مسئول اتخاذ تدابیر پیشگیرانه و برخورد با جرم و انحراف تلقی می‌کند و از دیگر سو به نقش مردم در

هستند و در مواردی همکار پلیس محسوب می‌شوند، (اورتمایر، ۱۳۸۵: ۴۱۲).

جامعه نیازمند پلیس و پلیس هم نیازمند جامعه است. پلیس نباید جامعه را به چشم یک گروه مشاور و یک طرف خاموش و ساکن نگاه کند. در حقیقت جوهر و عصاره نقش پلیس آن است که نیاز و کار غیررسمی جامعه را برای مهار جرم و بی‌نظمی تقویت و حمایت کند و بدون احساس تعهد دستگاه‌ها و منابع بی‌شمار اجتماعی، پلیس نمی‌تواند مردم را در امور جامعه دخیل کند، (قهرمانی، ۱۳۹۹: ۱).

بنابراین هدف پلیس جامعه‌محور (بازدارندگی از وقوع جرم) رضایت جامعه مردم است. شرط لازم برای پلیس جامعه‌محور، اقتدار و انضباط است. یک پلیس جامعه‌محور باید ارتباط منظم و همه‌جانبه با مردم داشته باشد. پلیس جامعه‌محور یعنی مردم پلیس خود و همکار ما باشند. پلیس جامعه‌محور یا پلیس اجتماعی باید سازمانی باشد که مطالبات مردم را ارزیابی می‌کند نسبت به آن مطالبات پاسخگو باشد نتایج اقدامات خود را مجدداً ارزیابی کند و رفتار خود را اصلاح کند. این پلیس امین و اهل مدارا با مردم خواهد بود، (احمدی مقدم، ۱۳۸۴: ۷۴).

بعضی از شهروندان که توقع دارند قاضی، پلیس و سایر سازمان‌ها مشکل جرم جامعه را حل کنند واقع‌بین نیستند شهروندان نباید انتظار داشته باشند که نیروهای پلیس بدون همکاری و حمایت فعال مردم موفقیت کسب کنند، (نبت و کاران، ۱۳۸۱: ۱۷۳).

رویکرد پلیس جامعه‌محور مبتنی بر این واقعیت است که پلیس برای اعمال کنترل اجتماعی متکی به چشم‌ها، گوش‌ها، اطلاعات و نفوذ مردم است اساساً همبستگی بین پلیس و مردم به دلیل احتمال موفقیت در مبارزه با جرائم و اجرای قانون است، (قهرمانی و ابطحی، ۱۳۸۹: ۱۱).

موفقیت پلیس جامعه‌محور به شدت تحت تأثیر عوامل درون‌سازمانی و محیط بیرون سازمان است. برای اینکه رکن اصلی پلیس جامعه‌گرا یعنی مشارکت مردم هم در درون

بر این بحران و ضرورت افزایش کارایی و تقویت عملکرد برنامه‌های سیاست جنایی و سایر عوامل اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و جرم‌شناختی باعث جلب توجه به واقعیت مشارکت جامعه مدنی در برنامه‌های سیاست جنایی و طرح و اجرای گرایش جدیدی در سیاست جنایی بر پایه مشارکت هر چه وسیع‌تر و فعال ارکان جامعه مدنی در مراحل مختلف اجرای سیاست جنایی در دیدگاه‌ها و آموزه‌های کیفری و سیاست جنایی شده است که از آن به‌عنوان «سیاست جنایی مشارکتی» نام‌برده می‌شود. نظام جمهوری اسلامی ایران، به‌ویژه با الهام از مبانی فقهی خود و شاید بتوان گفت که بدون توجه به مباحث جدید علمی پیرامون این موضوع، ضوابط و مقررات قابل توجهی برای مشارکت جامعه مدنی در این زمینه را فراهم نموده است که تقریباً برجسته‌ترین جنبه آن به مشارکت بزه دیده در فرآیند کیفری مربوط می‌شود، (معدنچی، ۱۳۷۶: ۲۶۳).

ضمن اینکه جامعه مدنی ایران با تکیه بر تکالیف و آموزه‌های دینی و پشتوانه فرهنگ و سنت غنی مشارکتی خود از قابلیت‌ها و بسترهای مناسبی در این راستا و به‌ویژه در مورد پیشگیری از بزهکاری برخوردار است. اگرچه تاکنون از این مبانی و بسترها به نحو مطلوب و کامل استفاده نشده است؛ اما این واقعیات در مجموع، سیاست جنایی نظام مذکور را از لحاظ محتوایی و عملی مشارکتی کرده و جلوه‌های متنوع و بعضاً ناب و منحصر به فردی از مشارکت ارکان جامعه مدنی در مراحل مختلف است.

#### ۵- رویکرد پلیس جامعه‌محور

برای نخستین بار مبانی نظری پلیس جامعه‌محور را رابرت پیل در سال ۱۸۲۹ بنا نهاد، (وروایی، ۱۳۸۴: ۸۹).

عبارت پلیس جامعه‌محور از دو کلمه پلیس و جامعه تشکیل شده است در محیط پلیس جامعه‌محور، نقش جامعه بسیار قدرتمند بوده و تعامل اجتماعی برای موفقیت، حیاتی است. در محیط یادشده شهروندان دو نقش مهم ایفا می‌کنند. آن‌ها از یک طرف مشتری و خریدار و بهره‌بردار خدمات پلیس

موفق اجرا نمودن برنامه‌های پیش‌بینی‌شده توسط پلیس است. پلیس می‌تواند با توانمندسازی جامعه مردم را با فرهنگ خودیاری آشنا سازد که به این وسیله مردم جامعه می‌آموزند که چگونه مشکلات خود را حل نمایند و در این بین پلیس می‌تواند امور را در جهت پیشگیری کارگردانی نماید. پلیس برای اینکه بتواند حمایت، همکاری مردم را فراهم نماید می‌بایست اعتمادسازی کند.

#### ۶- پلیس جامعه‌محور و پیشگیری از جرم

یکی از رویکردهای نسبتاً نوین در الگوی فعالیت پلیسی، رویکرد پلیس جامعه‌محور است. در عصر حاضر، توجه به مشارکت‌های مردمی و لزوم برخورداری از مقبولیت اجتماعی پلیس در میان مردم و شناسایی نیازها و ضرورت‌های شهروندان که در واقع روی آوردن به نوعی سیاست جنایی مشارکتی است، بر ضوابط، سیاست‌ها و برنامه‌های پلیسی سایه افکنده است. پیشگیری از جرم، یکی از آثار ارزشمند این رویکرد به حساب می‌آید، (وروایی، ۱۳۸۴: ۱۸۹).

در بیان تعریف مفهوم پلیس جامعه‌محور در میان متخصصان اختلاف‌نظرهایی به چشم می‌خورد. در تعریفی از تروجانویچ و بوکرو، پلیس جامعه‌محور، یک فلسفه جدید اداره امور پلیسی و مبتنی بر این مفهوم است که مأموران پلیس و شهروندان غیردولتی (مردم عادی و غیر وابسته به دولت) که به شیوه‌های خلاق با یکدیگر همکاری می‌کنند، می‌توانند به حل مشکلات و مسائل جامعه معاصر در خصوص جرائم، ترس از جرم و جنایت، بی‌نظمی اجتماعی و فیزیکی و انحطاط محله‌ها کمک کنند، (رفیعی، ۱۳۸۳: ۵۳).

این فلسفه، مبتنی بر این باور است که دستیابی به این اهداف، مستلزم آن است که ادارات پلیس، روابط جدیدی با افراد مطیع قانون در جامعه به وجود بیاورند؛ به آن‌ها اجازه اظهارنظر بیشتر در دین اولویت‌های پلیس محلی بدهند و با درگیر کردن آن‌ها در تلاش برای بهبود کلی کیفیت زندگی در محلات خودشان، تمرکز پلیسی را از کار در مورد پیشگیری تلفن‌های تصادفی به حل کردن مسائل و مشکلات

سازمان پلیس و هم در جامعه، نهادینه و عملیاتی شود، مستلزم تبیین و فراهم آوردن سازوکارها و الزامات مشارکت مردم در امور انتظامی برای پیشگیری از وقوع جرم است. از مهم‌ترین مؤلفه‌هایی که در مشارکت مردم با پلیس جامعه‌محور نقش مهمی در پیشگیری از جرم دارند اعتماد است که اعتماد از ارکان پلیس موردقبول مردم است و شیوه عمل پلیس موردقبول ضامن حفظ نظم و تأمین جان، مال و آزادی شهروندان است. پیشگیری از جرم مهم‌ترین و اساسی‌ترین اولویت و هدفی است که پلیس باید به آن دست یابد. همه تلاش‌ها و راهبردهای کلیدی پلیس باید در راستای تحقق این هدف جهت داده شود. در این راستا رویکرد جامعه‌گرایی پلیس می‌تواند در این تعامل و همکاری صمیمانه جامعه با پلیس نقش ایفا کند پلیس جامعه‌گرا هدف نیست بلکه وسیله‌ای است که به کمک آن پلیس بتواند امور انتظامی را با مشارکت مردم بهتر و مؤثرتر انجام دهد. پلیس می‌بایست تلاش‌های در جهت بهبود بخشیدن به روابط بین پلیس و شهروندان انجام دهد. چراکه در تأمین امنیت اجتماعی با مشارکت مردم در جهت پیشگیری از وقوع جرم ضروری و تعیین‌کننده است. مشارکت دادن نخبگان جامعه و بهره‌مندی از خرد جمعی از راه‌های تحقق پلیس جامعه‌محور است و مهم‌ترین عامل سرمایه‌ای اجتماعی برای کسب اعتماد مردم است پلیس باید در انجام اقدامات با هوشیاری و دقت عمل رفتار کند تا جای مجرم و مردم عوض نشود، (توجهی، ۱۳۷۷: ۱۲۴).

ادبیات پلیس باید با مردم، مجرم، تبهکاران کاملاً جدا از یکدیگر و با بصیرت باشد، (احمدی مقدم، ۱۳۸۴: ۷۴).

از نشانه‌های موفقیت پلیس در پیشگیری از وقوع جرم و کاهش جرائم افزایش مشارکت و همکاری اعضاء جامعه و سازمان‌های مردم‌نهاد است در صورتی که پلیس بتواند اعتماد و مشارکت آنان را جلب کند می‌تواند در اجرای برنامه‌های کاهش و پیشگیری جرم موفق عمل نماید زیرا اطلاعاتی که این قبیل نهاد در اختیار پلیس قرار می‌دهند عاملی است برای

قانونی وضع می‌شود تا به مرحله اجرا برسد، عملاً قدرت اجرایی قانون را در عملکرد پلیس می‌بینیم، ( محمد نسل، ۱۳۸۷: ۲۶).

البته مسئله مهم نحوه برداشت افراد از حضور پلیس در جامعه است. معمولاً برداشت افراد جامعه از حضور پلیس در جامعه یک رویکرد توأم با امنیت و آرامش نیست که در درجه اول به سوء مدیریت عملکرد پلیس در گذشته‌ها مربوط می‌شود چراکه پلیس در یک بعد زمانی اقدام‌های خارج از عرف پذیرفته‌شده در جامعه انجام می‌داد و در گذشته‌ها پلیس به‌عنوان نزدیک‌ترین نیروی تعامل با مردم در امور مداخله کرده که باعث شده بود شأن پلیس پائین بیاید. همچنین در درجه دوم به بحث اصرار به این سوء مدیریت مربوط می‌شود که این مسئله نیز باز مربوط به مداخله پلیس در امور است که جزو وظایف آن نیست، (لازرز، ۱۳۸۲: ۳۹).

باید توجه داشته باشیم تردیدی وجود ندارد که پلیس نیروی خدمتگزار مردم است و این مسئله را پلیس در مقابله با اراذل و اوباش و برخورد با مجرمان خطرناک ثابت کرده است و منظور این است که برخورد و تعامل پلیس با مردم در واقع ملاک قضاوت مردم است. مردم باید به این باور برسند که پلیس در عین حال که وظایفش را انجام می‌دهد احترام به مردم را در رأس کار خود قرار می‌دهد. ضمناً حضور مستمر و بیش‌ازحد پلیس در جامعه و فضای اجتماعی ممکن است باعث شود مردم تصور کنند جامعه حتماً با مشکلات فراوان امنیتی دست‌به‌گریبان است که در پی آن احساس ناامنی خودبه‌خود به سراغ آن‌ها خواهد آمد. بنابراین بهتر است پلیس برای نظارت و تأمین امنیت شهری به‌صورت نامحسوس در اجتماع ظاهر شود و رفتارش با مردم دقیق و توأم با رأفت باشد و در عین حال مراقبت و نظارت بر اجتماع را به‌صورت نامحسوس انجام بدهد. پلیس باید به‌جای کارهای جزئی به اقدام‌های پیشگیرانه زیربنایی توجه بیشتری داشته باشد، اگرچه نتایج پیشگیری در طول زمان مشخص می‌شود. بنابراین پلیس باید با برنامه‌ریزی بلندمدت آموزش را ملاک عمل خود بداند

جامعه منتقل کنند دیگران نیز نظیر فارال، گرینگریچ و چو نیز تعریف‌هایی از مفهوم پلیس جامعه‌محور ارائه کرده‌اند؛ اما از آنجایی که بر این نوشتار بیشتر به دنبال تجربه‌های علمی پلیس و نیز ارائه تأثیر مفاهیم موردبررسی در پیشگیری از جرائم هستیم، به تعریف زیر بسنده می‌کنیم: فریدمن در یک تعریف نسبتاً جامع، در مورد پلیس جامعه‌محور می‌گویند که این مفهوم، عبارت است از: راهبرد و خط‌مشی باهدف دستیابی به کنترل مؤثر و کارآمد جرائم، کاهش ترس از جنایت، توسعه کیفیت زندگی، گسترش خدمات پلیس و مشروعیت کار پلیس از طریق تکیه بر منابع جامعه که درصدد تغییر شرایط جرم خیز هستند. این امر، مستلزم مسئولیت‌پذیری بیشتر پلیس، سهیم شدن فعال‌تر و بیشتر جامعه در فرایند تصمیم‌گیری و توجه بیشتر به حقوق و آزادی‌های مدنی افراد است، ( فریدمن، ۱۳۸۳: ۵۸).

#### ۷- نقش پلیس در پیشگیری از وقوع جرم

امنیت را می‌توان یکی از نعمت‌های الهی تلقی کرد که در سایه آن انسان‌ها به آرامش و آسایش دست می‌یابند. درواقع پیشگیری از وقوع جرائم و جلوگیری از فروافتادن افراد در ورطه جرم و گناه یکی از آرمان‌های جوامع بشری است، اما در اینجا به این که پلیس تا چه حد می‌تواند در پیشگیری از جرم و تأمین امنیت جامعه مؤثر واقع شود اشاره می‌کنیم. اگرچه طبق قانون اساسی جمهوری اسلامی در بحث مربوط به مدیریت، متولی پیشگیری از جرم قوه قضائیه است، اما به دلیل آن‌که پلیس در تعامل مستقیم با مردم است و به‌نوعی ابزار و وسایل بیشتری را در مقابله با جرم دارد، اصل پیشگیری از جرم را پلیس اجرا می‌کند. امروزه برخی از کشورها مانند فرانسه و کانادا باوجود آمار بالای جرم و جنایت همچنان سعی می‌کنند پیشگیری و مبارزه با جرم را در اولویت کار پلیس قرار بدهند، زیرا پیشگیری به‌مراتب هزینه کمتری خواهد داشت. در کشور ما نیز پلیس به‌عنوان فعال‌ترین نیروی پیشگیری و مقابله با جرم شناخته می‌شود و تردیدی وجود ندارد که پلیس به‌عنوان نوک پیکان مقابله و مبارزه با جرم تلقی می‌شود، چراکه وقتی

جرائم تام، عقیم و محال به تفکیک جرائم علیه اشخاص اموال و امنیت. البته در کشورهای مختلف اختیارات پلیس دارای محدودیت‌های معین و گسترده‌تر از نهاد مشابه آن در سایر کشورها است. همین امر منجر به آن شده تا تفاسیر متعددی از مفهوم پلیس ارائه شده و گاه بتوان آن را به مفهوم مجموعه‌سازمانی مقابله و مبارزه با جرائم محسوب داشت که در این صورت شامل سازمان قضایی و دادگستری نیز خواهد بود، (حسینی، ۱۳۸۳: ۴۶).

در ایران در تفسیر محدود پلیس دربرگیرنده مأموران نیروی انتظامی است که حدود اختیارات و وظایف آن در قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۲۷ تیر ۱۳۶۹ و برخی از قوانین و مقررات دیگر ذکر شده است بنابراین نمی‌توان معتقد گردید که پلیس تنها مجری امر پیشگیری در کشورمان به شمار آید از بعد تطبیقی در انگلیس امر پیشگیری از جرم را پلیس بر عهده دارد و در سوئد سازمان مستقلی متولی این امر است. در بلژیک مدیریت پیشگیری را وزارت دادگستری و پلیس به‌طور مشترک عهده‌دار هستند. اگرچه پلیس به‌موجب قانون امر پیشگیری از جرم را بر عهده دارد اما ایرادهایی از حیث ساختاری و اجرایی بر این ارگان وارد شده که نمی‌توان آن‌ها را انکار کرد، ( کوردنر، ۱۳۹۰: ۲۱۱).

اولاً، سازمان‌هایی همچون پلیس و سایر ارگان‌های حفاظت اجتماعی که از بودجه عمومی تغذیه شده و به‌موجب قانون صلاحیت و اقتدار لازم را برای کنترل جرائم دارا هستند خود باید تحت کنترل و بازرسی منظم باشند. این کنترل بندرت انجام می‌شود و اگر صورت گیرد به‌دقت انجام نمی‌شود. ثانیاً، وظیفه امنیت و جلوگیری از ارتکاب جرائم امروزه بیشتر فدای تعهد به رسیدگی به شکایات و اجرای مجازات شده که به‌اندازه کافی وقت و بودجه سازمان‌های انتظامی را به خود اختصاص دهد. بنابراین می‌توان معتقد گردید که باید نظام کنترل مقداری انفکاک بیشتری از نظام دادرسی داشته باشد. البته ایده اخیری با این ایراد عمده روبر

و طی برنامه‌ریزی کوتاه‌مدت اگر اقدام‌های پلیس توأم با حفظ حریم خصوصی و کرامت انسانی باشد در این صورت اعتماد مدام به پلیس زحمتکش بیشتر جلب خواهد شد که این روند می‌تواند جرائم و انحرافات را تا حد صفر برساند، (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۲: ۱۹).

هر نقش اجتماعی با توجه به عرف - سنت‌ها - عقاید - رفتارها و نیازهای اجتماعی شکل می‌گیرد. نقش پلیس نیز به همین اساس شکل‌گرفته و البته ویژگی نظام‌مندی و سازمان‌دهی بدان افزوده است. پلیس به‌حکم وظیفه خود امر جلوگیری از ارتکاب جرائم، دستگیری مجرمان جلوگیری از امحای آثار جرم و حمایت‌های مقدماتی از بزه دیدگان را بر عهده دارد. اقدامات این ارگان بیشتر جنبه فیزیکی و محسوس دارد و سال‌هاست که مردم با وظایف و نحوه فعالیت آن خو گرفته‌اند. پلیس سازمان امنیتی - انتظامی است که در تمام کشورها از جمله وظیفه پیشگیری از جرائم را بر عهده دارد و بیشتر اولین نماینده عدالت کیفری است که با شهروندان در ارتباط است. به همین دلیل نوع برخورد پلیس با مردم در شکل‌گیری طرز تلقی صحیح یا اشتباه از نظام امنیت شهری واجد اهمیت سیاسی است. اعضای پلیس افراد آموزش‌دیده و ورزیده‌ای هستند که پیشگیری از جرائم می‌نمایند. در مقام وظایف پلیس اقدامات زیر را انجام می‌دهد که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در پیشگیری از جرائم مؤثر است. حمایت از بزه دیدگان بالقوه جرائم، ایجاد احساس امنیت عمومی از طریق حضور در سطح شهر و اماکنی که احتمال وقوع جرم در آن وجود دارد. دریافت گزارش‌هایی راجع به ارتکاب یا احتمال ارتکاب جرائم، حضور در صحنه‌های جرم یا محتمل به بزه‌کاری - ارائه خدمات مشاوره و راهنمایی به شهروندان در زمینه‌های امنیتی و پیشگیری از جرائم - ارائه برنامه‌ها و طرح‌های امن سازی محله‌ها و محیط‌های خاص شهری در مقابل مجرمان حرف‌هایی - ارائه پیشنهادهای علمی و سازنده برای اصلاح ساختارهای جرم خیز و تصویب قوانین متناسب به مقامات ذیصلاح، تهیه آمار جرائم اعم از شروع به جرم،

استفاده نشده است اما این واقعیات در مجموع، سیاست جنایی نظام مذکور را از لحاظ محتوایی و عملی مشارکتی کرده و جلوه‌های متنوع و بعضاً ناب و منحصر به فردی از مشارکت ارکان جامعه‌ی مدنی در مراحل مختلف است معاونت آموزش قوه‌ی قضاییه در نتیجه، سیاست جنایی تقنینی با استفاده از ابزار قوانین؛ سیاست جنایی قضایی با استفاده از مجازات‌های جایگزین حبس یا نظام نیمه آزادی؛ و سیاست جنایی مشارکتی با استفاده از حمایت و مشارکت اهرم‌های مردمی (علاوه بر استفاده از ابزارهای قانونی و قضایی)، سعی در رسیدن به اهداف سیاست جنایی مطلوب را دارند. در یک نوع تقسیم‌بندی دیگر، سیاست جنایی به دودسته‌ی علمی و ارزشی تقسیم می‌شود. سیاست جنایی علمی، سیاستی است که بر داده‌های علمی، از جمله یافته‌های جرم‌شناسی، تکیه دارد؛ به‌عنوان مثال اگر بررسی‌ها نشان دهد که از لحاظ آماری، میان افزایش ازدواج و ارتکاب جرم، رابطه‌ی معکوس و میان مصرف مشروبات الکلی و ارتکاب جرم، رابطه‌ی مستقیم، وجود دارد، بر اساس سیاست جنایی علمی، توصیه می‌شود که مشروبات الکلی ممنوع گردد، اما تسهیلات ازدواج در جامعه، بیش‌تر شود. در مقابل، سیاست جنایی ارزشی، سیاستی متکی بر بایدها و نبایدهایی است که محصول تحقیقات میدانی و آمارهای جنایی نبوده؛ بلکه مستند به اصول اخلاقی، فرمان‌های شرعی یا ارزش‌های فرهنگی جامعه است. یکی از موضوعات کاربردی قابل توجه در برنامه پیشگیری از جرم و عدالت کیفری، مشارکت و دخالت دادن هر چه سریع‌تر مردم و تشکیلات مردمی و نهادهای اجتماعی در برنامه سیاست جنایی، از مرحله تهیه و تنظیم این برنامه‌ها گرفته تا مرحله تدوین و اجرای آنهاست که آن را تحت عنوان «سیاست جنایی مشارکتی» می‌نامیم. امروزه تورم جمعیت کیفری، یکی از چالش‌های اساسی در نظام عدالت کیفری است. قانون‌گذاران به‌عنوان یک‌راه حل، غالباً راهبرد عقب‌نشینی نظام کیفری را در قالب سیاست‌هایی نظیر، جرم‌زدایی، کیفر زدایی و فضا زدایی پذیرفته‌اند. در این میان کیفر زدایی به دلیل این‌که محدودیت

است که تنها با حضور در صحنه و درک واقعیات‌های جرائم محقق می‌توان راهکارهای عملیاتی و قابل اجرا در کنترل جرائم داد، ( سردارآبادی، ۱۳۷۶: ۵۶).

### نتیجه‌گیری

در راستای سیاست جنایی مشارکتی در مرحله کشف جرم قانون جدید آیین دادرسی کیفری در جرائم جنایی و مهم در صورتی که به صورت مشهود واقع شود در صورت عدم حضور ضابطین دادگستری جواز مداخله را به عموم شهروندان داده است تا بتوانند اقدامات لازم را برای جلوگیری از فرار مرتکب جرم و حفظ صحنه جرم به عمل آورند (تبصره ماده ۴۵ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲) لازم به ذکر است منظور از سیاست جنایی مشارکتی ضرورت استفاده از کلیه ظرفیت‌های جامعه در امر پیگیری، کنترل و مبارزه با جرائم است که برای اولین بار قانون‌گذار جواز همکاری شهروندان در مرحله کشف جرم در خصوص جرائم جنایی را صادر نمودند. سیاست جنایی مشارکتی به معنی تعیین میزان مشارکت مؤثر و فعال جامعه‌ی مدنی در سیاست جنایی است. به‌عبارت دیگر در نظر گرفتن آثار ضرورت حیاتی ایجاد ابزارها و اهرم‌های تقویتی دیگری به‌غیر از پلیس یا قوه‌ی قضاییه به‌منظور اعتبار بخشیدن به طرح سیاست جنایی است که به‌وسیله‌ی قوه‌ی مجریه و مقننه تهیه و تدوین می‌گردد. جمهوری اسلامی ایران، با الهام از مبانی فقهی و بدون توجه به مباحث جدید علمی پیرامون این موضوع، ضوابط و مقررات قابل توجهی برای مشارکت جامعه‌ی مدنی در این زمینه فراهم نموده است که برجسته‌ترین جنبه‌ی آن، به مشارکت بزه دیده در فرایند کیفری مربوط می‌شود. جامعه‌ی مدنی ایران با تکیه بر تکالیف و آموزه‌های دینی و پشتوانه‌ی فرهنگ و سنت غنی مشارکتی خود، از قابلیت‌ها و بسترهای مناسبی در این راستا و به‌ویژه در مورد پیشگیری از بزهکاری برخوردار است. اگرچه تاکنون از این مبانی و بسترها به نحو مطلوب و کامل

۲. احمدی مقدم، اسماعیل. (۱۳۸۴). *آئین فرماندهی و راهبردی انتظامی* (افرا)، تهران، دفتر فرماندهی ناجا.
۳. آشوری، محمد، (۱۳۸۳). *جایگزین های زندان یا مجازات های بینابین*، تهران، انتشارات گرایش، ج ۱، چ ۱.
۴. جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۸۸). *ترمینولوژی حقوق*. تهران: گنج دانش. ص ۸۹.
۵. حسینی، سید محمد. (۱۳۸۳). *سیاست جنایی در اسلام و در جمهوری اسلامی ایران*، تهران، انتشارات سمت، چ اول.
۶. دلماس مارتی، می ری. (۱۳۷۶). «از حقوق جزا تا تاسیسات جنایی» ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی. نشریه نامه مفید. شماره ۱۱.
۷. دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). *لغت نامه دهخدا*. زیر نظر دکتر محمد معین و سید جعفر شهیدی، تهران: دانشگاه تهران.
۸. سردارآبادی، خلیل. (۱۳۷۶). «موانع تکوین جامعه مدنی در زمان رضاشاه»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی.
۹. شهری، غلامرضا. (۱۳۸۵). «نقش پلیس در کنترل و پیشگیری از ناهنجاریهای اجتماعی»، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، سال اول، شماره اول.
۱۰. فریدمن، رابرت آر (۱۳۸۳)، *پلیس جامعه محور*، چند مسئله مفهومی و عملی، تهران، دانشگاه علوم انتظامی.
۱۱. قهرمانی، علی اکبر و ابطحی، سید حسین (۱۳۸۹)، «طراحی الگوی مدیریت پلیس جامعه محور در ایران»، فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی سال ۵، شماره اول.
۱۲. قهرمانی، علی اکبر. (۱۳۹۰). «پلیس جامعه محور»، فصلنامه علمی - ترویجی مطالعات پیشگیری از جرم، سال ۶، شماره ۱۸.
۱۳. کوردنر، گری (۱۳۹۰)، *استراتژی های پلیسی کاهش ترس از جرم*، مترجم: اسماعیل حسنونند، احسان حسنونند، انتشارات جامعه شناسان.

کمتری نسبت به سایر سیاستها دارد بیشتر مورد توجه قانونگذار قرار گرفته است. در ایران قانونگذار در راستای کاهش تورم جمعیت کیفر در قانون مجازات اسلامی جدید نهادهایی مانند جایگزینهای حبس، تعویق صدور حکم، نظام نیمه آزادی و آزادی مشروط را به رسمیت شناخته شده است. نهادهای مذکور می تواند در حقوق ایران با موفقیت همراه بوده و نقش عمده در کاهش جمعیت تورم کیفری در زندانها ایفا کند مشروط بر این که راهبردهای پیشنهادی مورد توجه کنش گران سیاست جنایی قرار بگیرد تا زمینه اجرای بهتر این نهادها برای متهم فراهم شود. نظام نیمه آزادی در واقع پلی بین زندان و آزادی است، محکوم در بین تحمل مجازات و محرومیت در حق آزادی، رفت و آمد از آثار منفی زندان مصون می ماند زندانی با حفظ روابط خانوادگی عاطفی به کار اشتغال می ورزد و در نتیجه با کسب درآمد مشروع امکان پرداخت ضرر و زیانهای قربانی افزایش می یابد. با توجه به این که محکومان به جرائم سبک مشمول این نظام می شوند؛ بنابراین با اجرای نظام مذکور خطر عمده ای جامعه را تهدید نخواهد کرد و توان بزهکاری از فرد محکوم در آینده هم سلب می گردد و در نتیجه امنیت اجتماعی تأمین خواهد شد. زندگی اجتماعی و سامان دادن به آن، تنها در سایه نظم و امنیت پایدار امکان پذیر است. شهروندان یک جامعه، باید پیشاپیش از حقوق و تکالیف خود آگاه باشند و نتیجه ای اعمال و رفتارهای مجرمانه ای خود را بدانند تا فعالیت های گوناگون خویش را تحت کنترل و هدایت در آورند. لذا وجود سیاست های کلان، هماهنگ و انسجام یافته در نظام کیفری ضرورت می یابد. سیاست، برنامه های گسترده در زمینه های مختلف اجتماعی، اقتصادی، حقوقی و... است که هدف بهبود بخشیدن وضع موجود را دنبال می کند. به عبارت دیگر، تدابیری است که در تمامی زمینه ها کاربرد دارد.

### منابع و مأخذ

۱. ابراهیمی، شهرام. (۱۳۸۸). «رویکردهای موسع و مضیق پیشگیری و آثار آن. آموزه های حقوق کیفری»، ۶(۱۲)، ۳۷-۵۲.

۱۴. لازرژ، کریستین. (۱۳۸۱). *درآمدی بر سیاست جنایی*، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، انتشارات میزان.
۱۵. مارتی، می‌ری دلماس. (۱۳۸۱). *نظام‌های بزرگ سیاست جنایی*، ترجمه علی حسین نجفی ابرند آبادی، ج اول، تهران، انتشارات میزان.
۱۶. محمد نسل، غلامرضا (۱۳۸۷)، *پلیس و پیشگیری از جرم*، دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا.
۱۷. معین، محمد. (۱۳۷۶). *فرهنگ فارسی*، انتشارات امیر کبیر، چ نهم، ج ۴.
۱۸. میرمحمد صادقی، حسین. (۱۳۸۱). «ملاحظات در موضع پیشگیری از وقوع جرم»، فصلنامه تحقیقات حقوقی، (شماره ۳۵-۳۶)،
۱۹. میس و اورتمایر. (۱۳۸۵). *رهبری، اصول اخلاقی و امور پلیس*، ترجمه حسین شاکری تهران، تحقیقات ناجا.
۲۰. نبت، نبت وین، ام، هس، کارن. (۱۳۸۱). *مدیریت پلیس و توسعه بهره برداری واحدهای انتظامی*، ترجمه اکبر آسترکی و ترنج ریحانی، فصلنامه دانشی انتظامی، تهران، دانشگاه علوم انتظام.
۲۱. نجفی ابرند آبادی، علی حسین. (۱۳۸۷). *مباحثی در علوم جنایی* (تقریرات جزوه درس جامعه‌شناسی جنایی)، نگاشته رزیتا دارویی، ویراست پنجم.
۲۲. وروایی، اکبر (۱۳۸۴)، *پلیس جامعه محور*، مطالعه تطبیقی شیوه های جلب مشارکت مردمی در تأمین نظم عمومی و امنیت اجتماعی، سازمان عقیدتی سیاسی ناجا.